

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع من: جایگاه و نقش زنان صدر اسلام در بیعت و هجرت

محمد امانلو شماره دانشجویی: 810100084

پائیز 1403 تاریخ تحلیلی صدر اسلام استاد عودی

چکیده

در نظام سیاسی اسلام، نقش و جایگاهی که برای زنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشخص شده، کمتر از مردان نیست. بر این اساس، از مسائل مهم برای زنان متعهد مسلمان، آشنایی با چگونگی مشارکت و حضور در این عرصه‌هاست. به همین منظور، باید از دیدگاه اسلام در این خصوص، و نیز از سیر تاریخی نقش زنان در عرصه‌های سیاست و اجتماع مطلع گردند.

بیعت و هجرت از مفاهیم مهم و اساسی فرهنگ سیاسی اسلام و از وقایع مهم و تأثیرگذار تاریخ صدر اسلام هستند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زنان مسلمان همپای مردان در این عرصه حضور فعال داشته و تاریخی ماندگار از خود به یادگار گذاشته‌اند.

این نوشتار با بررسی منابع تاریخی و مذهبی، و با روشی توصیفی، بر آن است که جلوه‌هایی از مشارکت سیاسی زنان صدر اسلام را در دو عرصه بیعت و هجرت، که از وقایع مهم و سرنوشت‌ساز تاریخ صدر اسلام به شمار می‌روند، مورد بررسی قرار دهد.

مقدمه

در زمانی که برای زن هیچ ارزشی قائل نبودند، قدر او را نمی‌دانستند و حتی دختران را زنده به گور می‌کردند، دین اسلام بالاترین هدیه را به زنان عطا کرد و در قرآن کریم، در شأن و منزلت زنان مؤمن و خداجو آیاتی نازل و حتی سوره‌ای به نام ایشان (نساء) نام‌گذاری کرد. دین اسلام به عنوان دینی که به تمام ابعاد فردی و اجتماعی انسان توجه دارد، برای زنان نیز حق مشارکت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی قائل است. بر این اساس، زنان از همان آغاز همدوش با مردان در حفظ و صیانت از دین اسلام و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به‌پا خاستند و در عرصه‌های مهمی همچون بیعت، هجرت و جهاد توانایی خویش را اثبات کردند.

تبیین نقش مهم و اساسی زنان در تاریخ صدر اسلام در امور سیاسی و اجتماعی، برای زنان جامعه امروز امری ضروری و ارزشمند است تا از این رهگذر، زنان مسلمان بدانند که اسلام از همان آغاز به نقش سیاسی و اجتماعی زنان اهمیت داده و امروزه نیز آنها باید در ایفای این نقش کوشا باشند.

این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی است که زنان صدر اسلام چه نقشی در امر بیعت و هجرت داشتند و چگونه در این امر نقش‌آفرینی کردند؟

فرض این نوشتار آن است که با توجه به آموزه‌های اسلامی و همچنین عشق و علاقه زنان مسلمان به رسول خدا و دین اسلام، آنان با تمام وجود در این امور (بیعت و هجرت) شرکت کردند و نقشی سازنده و فعال داشتند.

سؤالات فرعی که مقاله در پی پاسخ‌گویی به آنهاست عبارتند از:

- تاریخچه بیعت در صدر اسلام چگونه بوده است؟
- زنان در کدام بیعت‌ها حضور داشتند؟
- شیوه بیعت زنان در آن زمان چگونه بوده است؟
- زنان در دو هجرت به حبشه و مدینه چه میزان نقش‌آفرین بودند؟

در مطالعات و تحقیقات جدید، موضوع بیعت و هجرت زنان صدر اسلام، در کنار سایر مسائل تاریخ صدر اسلام و سیره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بررسی شده است و به‌صورت مستقل کتابی در این‌باره تدوین نشده است. اما در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی سیره‌شناختی پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، دو مقاله با عناوین «نخستین مبايعات زنان با پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)» از شهلا بختیاری و «بیعت زنان در عصر نبوی» از حمیدرضا مطهری به موضوع بیعت زنان اشاره کرده‌اند.

در مقاله پیش‌رو، نقش زنان صدر اسلام در دو موضوع متناسب بیعت و هجرت با هم بررسی شده‌اند. همچنین سعی شده است با تقویت رویکرد شناختی و عاطفی، این زنان در مسائل اجتماعی و سیاسی به‌عنوان اسوه و الگوی زنان امروز جامعه اسلامی معرفی شوند.

افزون بر قرآن، بیشتر منابع تاریخی، به ویژه کتب سیره، به این موضوع اشاره دارند؛ هرچند که گزارش‌ها در خصوص جزئیات و تعداد یا اسامی زنان شرکت‌کننده یکسان نیست و تفاوت‌هایی وجود دارد. السيرة النبوية ابن هشام و طبقات ابن سعد بیش از سایر منابع و با تفصیل بیشتری به موضوع پرداخته‌اند. ابن سعد حتی در جلد هشتم الطبقات الکبری بخشی را به طور مجزا به این موضوع و زنان شرکت‌کننده در آن اختصاص داده است.

بنابر مطالب یادشده، موضوع را در دو بخش پی می‌گیریم: در بخش اول به مفهوم و تاریخچه بیعت و نیز حضور ارزنده زنان در آن خواهیم پرداخت و در بخش دوم، مفهوم، ضرورت و حضور فعال زنان در امر هجرت را تبیین می‌نماییم.

بیعت - مفهوم بیعت

بیعت از ماده "بیع" در لغت به معنای دست‌بردست زدن به هنگام معامله و پذیرفتن آن است. در گذشته میان اعراب چنین رسم بود که هنگام فروختن کالا، فروشنده و خریدار دست به دست هم می‌زدند و این عمل نشان‌دهنده قطعی بودن معامله بود.

بیعت در اصطلاح، به معنای پیمان بستن به فرمان‌برداری و پذیرفتن امارت یا ریاست کسی مانند سلطان یا فرمانروا است. این تعهد و پیمان مبنی بر اطاعت، در زمان‌های گذشته با دست دادن تحقق پیدا می‌کرد، اما امروزه به روش‌های دیگر انجام می‌شود.

ابن‌خلدون در بیان معنای بیعت می‌نویسد: «باید دانست که بیعت عبارت از پیمان بستن به فرمان‌برداری و طاعت است. بیعت‌کننده با امیر خویش پیمان می‌بست که در امور مربوطه به خود و مسلمانان تسلیم نظر وی باشد و در هیچ چیز از امور مزبور با او به ستیز برنخیزد و تکالیفی را که بر عهده وی می‌گذارد و وی را به انجام آن تکالیف مکلف می‌سازد، اطاعت کند، خواه آن تکلیف به دلخواه او باشد و خواه مخالف میلش. و چنین مرسوم بود که هرگاه با امیر بیعت می‌کردند و بر آن پیمان می‌بستند دست خود را به منظور استواری و تأکید پیمان در دست امیر می‌گذاشتند و چون این شیوه به عمل فروشنده و خریدار شبیه بوده است، آن را "بیعت" نامیده‌اند که مصدر "باع" (خرید و فروش) می‌باشد و مصافحه کردن با دست‌ها بیعت شده است و مفهوم آن در عرف لغت و تداول شرع همین است.»

در دین اسلام از این رسم برای ایجاد اطاعت در میثاق و پیمان با رهبر و امام جامعه استفاده شده است. بدین ترتیب، بیعت در حقوق سیاسی اسلام شیوه‌ای است که بر اساس آن، بیعت‌کنندگان زمام‌داری و حاکمیت کسی را که با او بیعت می‌کنند می‌پذیرند و اعلام می‌دارند که از دستورات او اطاعت خواهند کرد.

تاریخچه بیعت در اسلام

بیعت در فرهنگ سیاسی مسلمانان و حتی در میان اعراب پیش از اسلام، رایج و متداول بوده و پیشینه‌ای طولانی دارد. شواهد نشان می‌دهد که بیعت از ابداعات مسلمانان نبوده، بلکه سنتی رایج میان اعراب بوده است. این کار به روش‌های مختلف انجام می‌شد. اعراب به هنگام پذیرش مهتری رئیس قبیله یا سرکرده خود، یا هنگام تعهد به انجام کاری برای وی، دست خود را در دست او گذاشته و وفاداری خویش را اعلام می‌کردند. بر این اساس، اعراب با مسئله بیعت آشنا بودند و به همین دلیل، هنگام بیعت مردم یثرب با پیامبر در عقبه، برخورد آنان با مسئله بیعت، برخورد با یک امر آشنا بود.

پس از ظهور اسلام در دوران پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، بیعت تداوم یافت؛ اما معنایی که از آن برمی‌آمد بیشتر اعلام حمایت و اطاعت از پیامبر و حکومت اسلامی بود. سیره‌نویسان، سلسله بیعت‌های مسلمانان و نومسلمانان با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را ثبت کرده‌اند. این بیعت‌ها بر پایه اطاعت از خداوند متعال و رسول گرامی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ترک نافرمانی از خدا و رسولش بود و بر اساس آن، مسلمانان متعهد می‌شدند که از دستورات دین مقدس اسلام و حکومت نوپای اسلامی اطاعت کنند.

در دوران رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بیعت‌های متعددی صورت گرفت. نخستین بیعت در مکه انجام شد که به نام «دعوت عشیرت» مشهور است. این بیعت سه سال پس از بعثت در یوم‌الدار بود. دومین بیعت که در مکه انجام گرفت، بیعت نخستین پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در عقبه بود (ابتدا با تعدادی از قوم خزرج و سپس با دوازده تن از اهل یثرب). سومین بیعت، یک سال پس از بیعت عقبه اول در همان‌جا بود که این بار 73 مرد و 2 زن با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بیعت کردند. بیعت عقبه اول و دوم که به ترتیب به «بیعت النساء» و

«بیعت الحرب» شهرت یافته است، در واقع زمینه‌ساز شکل‌گیری نظام سیاسی مستحکم اسلامی در مدینه بود.

پس از هجرت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از مکه به مدینه نیز بیعت‌هایی میان پیامبر و نمایندگان سراسر مردم شبه‌جزیره عربستان صورت گرفت. این نمایندگان نزد پیامبر می‌آمدند و با نهادن دست خود در دست ایشان، وفاداری خویش را اعلام می‌کردند.

به طور کلی، بیعت در عهد رسالت چیزی جز پیمان وفاداری و تأکید بر آن نبود و توجه پیامبر بر گرفتن بیعت تنها برای تحکیم و تثبیت پایه‌های حکومت و فراهم ساختن امکانات آن بود. پیامبر اکرم در فرصت‌های مختلف با مسلمانان تجدید بیعت می‌نمود که یک مورد آن در «بیعت رضوان» در حدیبیه بود. از آن گسترده‌تر، بیعتی بود که پس از فتح مکه انجام گرفت. بیعت مسلمانان با علی (علیه‌السلام) در روز غدیر خم نیز از بیعت‌های مهم دوران رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بود.

پس از رحلت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، بیعت در سراسر دوران خلافت خلفای راشدین، امویان، عباسیان و حتی خوارج و فاطمیان و دیگر کسانی که دعوی زعامت مسلمانان داشتند، به عنوان رسمی جاری و طبیعی‌ترین شیوه انتقال و تثبیت حکومت محسوب می‌شد.

حضور زنان در بیعت

قرآن کریم بیعت با حکومت را، که بارزترین مظهر میثاق سیاسی در جامعه است، برای زنان نیز می‌پذیرد:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه: ۱۲)

«ای پیامبر، چون زنان مؤمن نزد تو آیند که با این شرط با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و بچه‌های حرام‌زاده‌ای را که پس انداخته‌اند با بهتان و حيله به شوهر نبندند و در کار نیک از تو

نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.»

تاریخ صدر اسلام نیز نشان‌دهنده تحقق این عمل سیاسی از سوی زنان است. ابن‌سعد در کتاب "طبقات الکبری" با عنوان کلی «ما بايع عليه رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) النساء»، صفحاتی را به چگونگی بیعت زنان با پیامبر و مضمون بیعت‌ها اختصاص داده است. وی در فصلی دیگر از این کتاب نام هفتاد زن را می‌شمارد که در بیعت‌ها شرکت داشتند.

به لحاظ تاریخی، اولین حضور زنان در بیعت در عصر رسالت رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) - سال سیزدهم بعثت - در عقبه منی (عقبه نخست) بود. این بیعت زمانی انجام شد که مسلمانان به شدت از جانب مخالفان و کفار تحت فشار و آزار بودند، تا جایی که رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، کوه صبر و استقامت، به درگاه الهی شکوه می‌کرد. در چنین شرایطی، دوازده تن از اهل یثرب (۱۰ نفر از قبیله خزرج و ۲ نفر از قبیله اوس) نزد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمدند و پس از آشنایی با اسلام، متعهد شدند که از رسول خدا - که در آن زمان سخت در معرض تهدید مشرکان بود - دفاع کنند. آن‌ها همچنین متعهد شدند به خدا شرک نورزند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، دروغ و بهتان بر کسی نبندند، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را اطاعت کنند و از دستورات وی سرپیچی نکنند.

برخی محققان این بیعت را «بیعه النساء» گفته‌اند؛ بدان جهت که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پس از فتح مکه با زنان مسلمان بر پایه همین شرایط بیعت کرد. در این بیعت هم، التزام به جهاد در کار نبود و مضمون بیعت نساء نیز همین بود. حسن ابراهیم حسن علت دیگر موسوم شدن این بیعت به "بیعه النساء" را حضور زنی به نام عفرأ دختر عبید بن ثعلبه می‌داند که به عنوان نخستین زن با رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بیعت کرده است. با این حال، عمده منابع، حاضران در بیعت عقبه اول را ۱۲ مرد دانسته‌اند و از حضور زنی به نام عفرأ در این بیعت چیزی ننوشته‌اند؛ هرچند از حضور فرزندان وی به نام‌های عوف و معاذ یاد کرده‌اند.

در هر صورت، حاضران پس از انجام بیعت به یثرب بازگشتند. رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز مصعب بن عمیر را به عنوان نماینده خود همراهشان فرستاد تا به هر کس که مسلمان شد

قرآن پیاموزد و مردم را به سوی خدا دعوت کند. از این‌رو، بعد از بازگشت این گروه به یثرب تبلیغات وسیعی برای گسترش اسلام آغاز شد.

در ذیحجه سال بعد (سیزده بعثت) ۷۵ نفر (۷۳ مرد و ۲ زن) از مسلمانان همراه مصعب بن عمیر، نماینده رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در یثرب، به مکه آمدند و آمادگی خود را برای اطاعت از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اعلام نموده، با ایشان بیعت جدیدی بستند که به "بیعت عقبه دوم" مشهور است.

در این بیعت، دو زن به نام‌های اسماء دختر عمرو بن عدی از بنی‌سلمه معروف به ام‌منیع و نسیمه دختر کعب بن عمرو بن عوف از بنی‌مازن معروف به ام‌عمار معروف به ام‌عمار در بیعت رضوان و بسیاری از نبردها همراه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) شرکت کرد. این زنان همراه سایر بیعت‌کنندگان در شب ۱۳ ذی‌الحجه مخفیانه در منی نزد پیامبر آمدند و با آن حضرت بیعت کردند. به نقل ابن‌هشام، بیعت زنان با رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بیعت با زبان بود. آنان متعهد شدند همان‌گونه که از فرزندان و خانواده خویش دفاع می‌کنند از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز دفاع نمایند و دستورات وی را اطاعت کنند.

بیعت با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بار دیگر در جریان صلح حدیبیه تکرار شد. در این زمان - یعنی سال ششم هجری - مکه هنوز پایگاه شرک بود و مشرکان گاه و بیگاه حملات سختی به مسلمانان می‌کردند. پیامبر در ذی‌قعدة سال ششم هجری همراه گروه بسیاری از مسلمانان به قصد انجام عمره عازم مکه گردید. در این سفر چهار زن (ام‌سلمه، ام‌عمار، ام‌منیع و ام‌عامر اشهلی) همراه پیامبر بوده‌اند.

در هر مرحله از تاریخ صدر اسلام، بیعت زنان با پیامبر و تأکید قرآن کریم بر این مسئله، نشان‌دهنده اهمیت نقش اجتماعی و سیاسی زنان در جامعه اسلامی بوده و این مشارکت‌ها نه تنها زمینه‌ساز تحکیم حکومت نوپای اسلامی، بلکه الگوی مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه امروز نیز به شمار می‌رود.

هجرت

مفهوم و ضرورت هجرت

«هجرت» از قوانین جاودانه حیات و عامل تکامل و توفیق ملت‌ها و اقوام بشری بوده است. از این‌رو، در دین اسلام نیز به عنوان یکی از عناصر مهم فرهنگ سیاسی به شمار آمده که بقا و تداوم این دین آسمانی را تضمین کرده است. هجرت در لغت به معنای بریدن، مفارقت و جدایی است. برای هجرت می‌توان دو معنای اصطلاحی قائل شد: اصطلاح عام که منظور ترک دیار و رفتن از یک منطقه جغرافیایی به مکان دیگر است، و اصطلاح خاص (با انگیزه دینی) که عزیمت مسلمانان از منطقه‌ای به منطقه دیگر، برای حفظ دین خود و جلب رضای الهی است.

با توجه به آیات قرآن، هجرت برای مسلمانان وظیفه‌ای شرعی محسوب شده است؛ چراکه هرگاه جو غالب با عصیان‌کاران باشد، ممکن است مردم رفته رفته تحت تأثیر روح حاکم بر جامعه قرار گیرند. بر همین اساس، خداوند متعال برای اینکه مسلمانان راه خود را به سوی هدایت به دلیل زیستن در جامعه کفر گم نکنند و یا تحت فشار ستم‌کاران قرار نگیرند، آنان را به هجرت امر می‌کند. هجرت همواره آمیخته با سختی و رنج است و به همین سبب، مقام مهاجران در اسلام بسیار والا است و خداوند این گروه را لایق رحمت و واسعه خود دانسته است.

در زمان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز مانند سایر پیامبران الهی، این ضرورت مهم برای امت اسلام پیش آمد و مسلمانان از هجرت به عنوان روشی در راه نجات اسلام و نشر تعالیم آن در دیگر نقاط گیتی بهره بردند. مسلمانان دو هجرت بزرگ یکی به حبشه و دیگری به مدینه داشتند.

حضور زنان در هجرت

در زمینه هجرت در اسلام مطالب بسیاری بیان شده است، اما درباره حضور زنان در این فراز سخت و شکوهمند کمتر سخن به میان آمده است. اهمیت حضور زنان در این عرصه این است که آن‌ها با وجود احساسات فراوان خود، از همه علایق دنیوی خویش گذشتند و همپای مردان به یاری و حفظ دین اسلام برخاستند.

آیات متعددی از قرآن کریم به حضور زنان در هجرت اشاره دارند. از آیات ۹۷ و ۹۸ سوره «نساء» چنین استفاده می‌شود که زنان همچون مردان وظیفه دارند از حکومت کفر به سرزمین اسلامی هجرت نمایند. در آیه ۵۰ سوره «احزاب» نیز خداوند متعال شرط جواز ازدواج زنان با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را هجرت آن‌ها به سرزمین حکومت اسلامی قرار می‌دهد که این موضوع، اهمیت هجرت زنان مسلمان را بیش از پیش مشخص می‌سازد.

هجرت به حبشه

وقتی آزار و اذیت مشرکان نسبت به مسلمانان اوج گرفت، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به آنان پیشنهاد کرد به حبشه هجرت نمایند. مسلمانان در دو نوبت به حبشه مهاجرت کردند. در هجرت اول - که در ماه رجب سال پنجم بعثت به صورت شبانه و مخفیانه انجام گرفت - ۱۱ مرد و ۴ زن به نام‌های ام‌سلمه (همسر ابوسلمه بن عبدالاسد)، رقیه دختر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) (همسر عثمان)، سهله دختر سهیل بن عمرو (همسر ابوحذیفه بن عتبّه) و لیلی دختر ابی‌حثمّه (همسر عامر بن ربیعہ العفری) حضور داشتند. آن‌ها حدود دو ماه (ماه شعبان و رمضان) در حبشه ماندند تا آنکه شایع شد کفار قریش از شکنجه مسلمانان دست برداشته‌اند. مهاجران با شنیدن این خبر، به عشق دیدار رسول‌الله و بازگشت به سرزمین خویش عازم مکه شدند، ولی نزدیک مکه متوجه شدند این خبر شایعه‌ای بیش نبوده است.

در هجرت دوم به حبشه، قریب ۸۳ مرد و ۱۸ زن حضور داشتند که یازده زن از قریش و هفت زن از دیگر قبایل بودند. از این تعداد، هشت مرد و سه زن در حبشه وفات یافتند و باقی آن‌ها بعدها از حبشه نیز به مدینه هجرت نمودند و مشمول فضیلت دو هجرت شدند.

از جمله زنان در این هجرت، اسماء بنت عمیس، زن مؤمنه و گران‌قدری بود که از همان روزهای آغازین رسالت رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به وی ایمان آورد. او همراه همسرش جعفر بن ابی‌طالب، که سرپرستی مهاجران را بر عهده داشت، در این هجرت شرکت نمود. اسماء همراه همسر و فرزندان‌ش تا سال هفتم هجری در حبشه ماند تا آنکه هنگام فتح خیبر همراه سایر مهاجران حبشه، عازم مدینه شد. از دیگر زنان مهاجر به حبشه ام‌حبیبه، سوده دختر زمعه، ام‌کلثوم همسر ابوسبره و... بودند.

حضور زنان در هجرت، به ویژه هجرت به حبشه، نشان‌دهنده فداکاری و ایثار آن‌ها در مسیر حفظ دین اسلام و همراهی با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است و این نقش به عنوان الگوی مشارکت اجتماعی و دینی زنان مسلمان باقی مانده است.

هجرت به مدینه

پس از آگاهی مشرکان از جریان بیعت عقبه و با افزایش فشارها و شکنجه‌ها از سوی آن‌ها، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به مسلمانان دستور داد به یثرب هجرت کنند. هجرت مسلمانان از مکه به مدینه آن‌چنان اهمیت داشت که با وجود رویدادهای مختلف مانند ولادت، بعثت و رحلت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و فتح مکه، این واقعه به‌عنوان مبدأ تاریخ اسلام برگزیده شد. خداوند متعال نیز در آیه ۷۲ سوره «انفال» بر ضرورت این هجرت تأکید می‌ورزد. این واقعه زمینه‌ساز اجتماع مسلمانان برای پی‌ریزی و تأسیس نظام و حکومت سیاسی اسلام بود.

در هجرت به مدینه نیز شاهد حضور گسترده زنان هستیم؛ زنانی که همه چیز خود را در مکه جای گذاشتند و بیابانی خشک و سوزان به مسافت ۴۶۸ کیلومتر را تا مدینه طی کردند. در این‌باره نام زنان بسیاری در کتب تاریخی ذکر شده است که برجسته‌ترین آن‌ها فاطمه بنت اسد و فاطمه زهرا (علیهماالسلام) هستند.

فاطمه بنت اسد، مادر گران‌قدر امام علی (علیه‌السلام)، بر پایه احترام فراوانی که به پیامبر می‌نهاد، در زمره اولین مهاجران به مدینه بود. از امام صادق (علیه‌السلام) روایت است که فرمودند: «فاطمه بنت اسد نخستین زنی است که به سوی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از مکه به مدینه هجرت کرد.»

فاطمه زهرا (علیههاالسلام) نیز همراه سایر دختران رسول‌الله و گروهی از زنان پس از هجرت پیامبر به مدینه عازم این شهر شدند. آن‌ها به همراه علی (علیه‌السلام) به‌طور مخفیانه بیرون آمدند و برای رعایت اقدامات امنیتی در این سفر پرخطر، شب‌ها با سرعت بسیار حرکت می‌کردند و روزها مخفی می‌شدند تا آنکه به دیدار رسول‌الله رسیدند.

پس از مهاجرت دسته‌جمعی مسلمانان از مکه به مدینه، هنوز برخی از زنان مسلمان در مکه باقی مانده بودند. از جمله آن‌ها ام‌سلمه بود که خویشان وی - قبیله بنی‌مغیره - اجازه ندادند به همراه همسرش به مدینه هجرت کند. طایفه شوهرش - بنی‌عبدالاسد - فرزند خردسال وی را نیز از او جدا کردند. ام‌سلمه حدود یک سال در ناحیه‌ای به نام ابطح (میان مکه و منا) در فراغ همسر و فرزندش می‌گریست تا آنکه پس از یک سال پسر او را برگرداندند و او تنها به مدینه مهاجرت نمود.

برخی از زنان نیز به دلیل مشرک و کافر بودن همسرانشان، توفیق هجرت همراه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و سایر مسلمانان را نیافتند. گروهی از این زنان بعدها از همسر، خانه و فرزند خویش دل کردند و برای پیوستن به رسول‌الله از مکه که در آن زمان دارالکفر محسوب می‌شد، به مدینه هجرت کردند. قرآن از این زنان با عنوان «زنان مؤمن مهاجر» یاد کرده است.

از جمله این زنان، سبیعه دختر حارث اسلمی بود. زینب، دختر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، نیز در زمره این زنان بود که همسر مشرکش (ابوالعاص بن الربیع) مانع از هجرت وی به سرزمین اسلام می‌شد تا آنکه وی در جنگ بدر اسیر شد. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هنگام آزادی از او پیمان گرفت که در بازگشت به همسرش اجازه دهد به مدینه هجرت نماید. ابی‌العاص نیز به وعده خود وفا کرد و همسرش، زینب، را عازم مدینه کرد. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) زیدبن حارثه را همراه مردی از انصار به سمت وی فرستاد تا او را در میانه راه به مدینه رساند، ولی پیش از رسیدن، دو نفر از کفار، زینب را در بین راه مجروح کردند و وی به سبب همین جراحت پس از مدتی درگذشت.

پس از صلح حدیبیه نیز برخی از زنان از مکه گریختند و به مدینه هجرت کردند. اطرافیان آن‌ها به مدینه آمدند و از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خواستند مطابق مفاد صلح‌نامه حدیبیه آنان را برگرداند. از جمله آن‌ها ام‌کلثوم، دختر عقبه بن ابی‌معیط، بود که پس از قرارداد صلح حدیبیه، به مدینه مهاجرت کرد و برادرانش عماره و ولید در تعقیب وی به مدینه آمدند و از پیامبر خواستند طبق قراردادی که گذاشتند او را به ایشان باز دهد. ام‌کلثوم خطاب به پیامبر گفت: «یا رسول‌الله، من یک زنم و تو خود از ضعف زنان آگاهی. اگر مرا نزد کفار بازگردانی، من نمی‌توانم در مقابل فشار آن‌ها دینم را حفظ کنم.»

با نزول آیه ۱۰ سوره «ممتحنه»، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از تسلیم وی امتناع ورزید. رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) طبق دستور خداوند، این زنان مهاجر را امتحان می‌کرد و کسانی را که صداقتشان معلوم می‌شد، نگاه می‌داشت و با پرداخت مهریه به شوهران کافر و مشرکشان، آن‌ها را به ازدواج مردان مسلمان درمی‌آورد.

حضور زنان در هجرت به مدینه به وضوح نشان‌دهنده نقش فعال و مؤثر آن‌ها در تأسیس و تقویت جامعه اسلامی بود. این زنان با پشت سر گذاشتن تمام دشواری‌ها، از خانه و خانواده

دل کردند و در مسیر حفظ دین و تحقق آرمان‌های اسلام قدم برداشتند و نمونه‌ای عالی از ایثار و مقاومت برای تمام مسلمانان به یادگار گذاشتند.

نتیجه‌گیری

با نگاهی به رویدادهای تاریخی صدر اسلام، مشاهده می‌کنیم که زنان دوشادوش مردان در بسیاری از رویدادها و صحنه‌های مهم سیاسی و اجتماعی این دوران حضور و مشارکتی سازنده و فعال داشته‌اند که به ویژه نقش آنان در دو موضوع «بیعت» و «هجرت» بسیار برجسته و مهم است.

بیعت از ابداعات مسلمانان نبوده، بلکه سنتی رایج میان عرب بوده است. پس از ظهور اسلام نیز بیعت در فرهنگ سیاسی مسلمانان جای گرفت و تداوم یافت. تاریخچه بیعت در صدر اسلام نشان‌دهنده حضور زنان مسلمان در بیعت عقبه دوم، رضوان، فتح مکه و غدیر خم و حمایت از ولایت علی (علیه‌السلام) است. پس از دوران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز در مسئله خلافت علی (علیه‌السلام)، زنان با کمال میل و رضا و با آگاهی و شناخت کامل با امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) بیعت کردند و فصل زرینی از تاریخ اسلام را به نام خود ثبت نمودند.

شیوه و روش بیعت زنان به گونه‌ای بوده است که حدود و مرزهای بین مردان و زنان کاملاً رعایت می‌شد؛ بدین صورت که یا با کلام بوده است و یا پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دست خود را در ظرف آبی می‌زد و سپس زنان نیز دست خود را در آن ظرف فرو می‌بردند.

در امر هجرت نیز حضور زنان مسلمان صدر اسلام پرشور بود. آن‌ها با وجود احساسات فراوان، از همه علایق دنیوی خود گذشتند و برای یاری و حفظ دین اسلام از خانه و کاشانه خود دل کردند و در دو هجرت مسلمانان (به حبشه و مدینه) حضور فعال و گسترده داشتند. زنان مسلمان صدر اسلام همچون مردان با نقش‌آفرینی در جریان‌ات سیاسی و اجتماعی، نام خود را در کنار نام مجاهدان و شهدای این برهه از تاریخ اسلام جاودانه ساختند و اسوه و الگویی برجسته برای زنان مسلمان در هر دوره‌ای شدند.